تحلیل

کم کاری «سفر قهرمان» در مورد زنان

وقتی بنیان‌گذاران زن خود را در داستان‌های موفقیت نمی‌بینند، به خودشان شک می‌کنند و حس می‌کنند تنها هستند. ما با بحران طیف نمایندگان کارآفرینی مواجهیم و داستان کلاسیک چگونه «به موفقیت برسیم» دیگر کاربردی ندارد. تمام تیم‌هایی که بنیان‌گذاران زن است حداقل از سال ۲۰۱۴ به این سو هرگز نزیستن از «گردهم آوردن» سرمایه‌گذاری خطرپذیر را جذب نکرده‌اند. ما از همان کودکی با داستان‌های «سفر قهرمان» آشنا می‌شویم (سفر قهرمان یک الگوی کلی است که جوزف کمبل اولین بار در کتاب «قهرمان هزار چهره» مطرح کرد و ادعا می‌شود بیشتر اسطوره‌های جهان بر اساس آن پی‌ریزی شده‌اند).

تمام قصه‌ها از «تحیر» به «گرفته تا «دیسه» به ما مسیر روایی ساخت یک اسطوره‌ای را می‌آموزند. کشف عاطفه، مواجهه با سختی‌های راه، ساخت تیمی قوی و دست‌یابی به موفقیت. به عنوان کسی که در بحبوحه این مسیر قرار دارم، می‌گویم این روایت منحرف است. این خط داستانی آرمانی و ارزشش از مدد افتاده. واقعیت آشفته کارآفرینی را نادیده می‌گیرد. مهجوز از آن صدا و تجربه بنیان‌گذاران زن و قابلیت و چالش‌های منحصربه‌فردی را که این فضا به ما تحمیل می‌کند نادیده می‌گیرد.

من به تجربه دریافتم که اکثریت داستان‌های بنیان‌گذاران به عنوان سفرهای فردی تعریف می‌شوند که حرفی از سختی‌های مسیر نمی‌زنند و این داستان‌ها فقط زمانی نقل می‌شوند که کارآفرین تمام سختی را پر طی کرده و موفقیت رسیده باشد؛ به این معنا که به سوآوری رسیده یا کسب و کارش را به قیمت هنگفتی واگذار کرده. اما این نوع روایت مشکل‌ساز است. این روایت‌های غیرواقعی باعث ایجاد بحران برای و همچنین از سوی بنیان‌گذاران زن می‌شود. خود کمپینی از آن جایی آغاز می‌شود که کارآفرینان خود را در داستان‌های بنیان‌گذاران نمی‌بینند و باعث می‌شود بسیاری از ما احساس تنهایی کنیم. بدتر از آن، اختلاف بین تجربیات ما و این روایت‌ها می‌تواند همچون مدرک مستقلی به نظر برسد که به ما نشان می‌دهد باید تسلیم شویم و دست از تلاش برداریم.

قصه‌های ما روایت نمی‌شوند

اگر برای بازتاب موقع پیش روی بنیان‌گذاران زن و قابلیت‌ها به خصوص در حوزه جذب سرمایه به روایت سنتی سفر قهرمان اتکا کنیم به جایی نمی‌رسیم. در حالی که سال گذشته بنیان‌گذاران زن ۳۵ درصد بازدهی بالاتری نسبت به همتایان مرد خود داشتند، فقط ۱.۱ درصد از سرمایه‌ای که به استارت‌آپ‌ها اختصاص پیدا می‌کند به شرکت‌هایی می‌رسد که بنیان‌گذارشان جزء اقلیت‌هاست. علاوه‌بر آن، زنان و بنیان‌گذاران اقلیت با کمبود نمایانده در رسانه‌هایی مواجهند که به کارآفرینی می‌پردازند و این خود به عنوان مانعی دیگر عمل می‌کند.

مساله صرفاً این نیست که من بنیان‌گذاران زیادی را نمی‌بینم که شبیه به من باشند، بلکه به کسب و کارهایی که به جزءسوآوری، هدف دیگری هم برایشان در اولویت است، کمتوجهی می‌شود. هرچه می‌گذرد افراد بیشتری -به خصوص زنان- برای مشکلاتی که روزانه با آنها دست به گریبانند راه‌حل پیدا می‌کنند. در واقع روزانه بیش از ۱۸۰۰ کسب‌وکار جدید توسط زنان تاسیس می‌شود و بنیان‌گذاریش از نیمی از این کسب‌وکارها زنان رنگین‌پوست هستند. اما داشتن و تجربه رسیدن این زنان نادیده گرفته می‌شود. به این ترتیب، نه این کارآفرینان شاهد روایت داستانشان هستند و نه به اندازه کافی از کسب‌وکارشان حمایت می‌شود.

سفر مدرن نه چندان قهرمانانه

وقتی به گذشته نگاه می‌کنم، احساس می‌کنم تاسیس شرکت «کاملا» که یک شرکت یکپارچه در زمینه بهداشت زنان است برایم اجتناب‌ناپذیر بود. اما اگر روندی می‌داشتم که این راه یک مسیر خطی نیست، به شکل دیگری عمل می‌کردم.

تحصیلات خودم در حوزه سلامت همگانی بود و خانواده‌ام به شدت به حوزه سلامت اهمیت می‌دادند. با این پیش‌زمینه، کاملا را هنگامی پایه‌گذاری کردم که مشغول تحقیق در حوزه پیشگیری از HIV و پیشگیری از خشونت مبتنی بر جنسیت در مناطق روستایی غرب کنیا بودم و ضرورتش را احساس کردم.

در طول این مسیر، متوجه شدم که ممکن است در سفر واقعی یک بنیان‌گذار، فراز و نشیب‌ها فقط با فاصله ۱۵ دقیقه از هم رخ دهند. اما ما از این تغییرات ناگهانی حرفی نمی‌زنیم. من با چالش‌هایی مواجه شدم که به خوبی یادم داد این روایت‌ها کجای راه را اشتباه رفته‌اند. مثلا بارها به من گفته شد که بازار محصولات بهداشت زنان، یک بازار «محدود» یا «تلوغ» است. آن هم توسط سرمایه‌گذاران مرد. حتی از سوی برخی از سرمایه‌گذاران تحت آزار قرار گرفته و بقیه سرمایه‌گذاران هم گفتند باید خوشحال باشم که چیز «هندی» را تجربه نکرده‌ام.

عده‌ای با صدای بلند از خود می‌پرسیدند که با توجه به جنسیت و سنم آیا شایستگی لازم را دارم؟ مدارک تحصیلی متعددی که در حوزه بهداشت داشتم هم، وقتی بحث این پیش می‌آمد که شریک فنی دارم یا نه بی‌ارزش تلقی می‌شد. خلاصه اینکه کارآفرینان بیش از شکست محصول و اخراج کارکنان از خشکسالی و تالمات روحی، رنج می‌بردند. وقتی چالش‌های پیچیده‌تر را از داستان‌های بنیان‌گذاران حذف می‌کنیم، مردمی را که می‌توانیم با آنها ارتباط برقرار کنیم، از خود دور می‌کنیم.

چگونه قصه را تغییر دهیم

واقعیت سخت این است که چیزی را بنیان کردن نه فرمولی دارد و نه خطی است. به من گفته بودند که این سخت‌ترین شغل دنیاست، اما حالا می‌دانم که واقعیت این شغل، شبانه‌روزی کار کردن نیست. ممکن است همه کارها را درست انجام دهید و باز هم شکست بخورید و «قصه‌های موفقیت» زیادی وجود دارند که باید در تحسین و تقلیدشان شک کنیم. به عقیده من، چیزی که ما به جای قصه سنتی و تکراری روایت بنیان‌گذار لازم داریم یک سه‌گانه است: رویکرد جامعه، ساختارهای رشد جایگزین و قصه‌های واقعی‌تر بنیان‌گذاران.

جامعه را بیندیشید

من به این ضرب‌المثل آفریقایی معتقدم که می‌گوید: «اگر می‌خواهید سریع بروید، تنها بروید. اگر می‌خواهید دور بروید، با هم بروید.» باور دارم که اگر بیستم استارت‌آپی می‌تواند از جامعه‌ای که در آن مردم به یکدیگر اتکا می‌کنند و سفر بنیان‌گذار را از قالب فردی خارج می‌کنند، بسیار بهره‌مند شود. چنین جامعه‌ای نه تنها می‌تواند به حمایت و همفکری برسد، بلکه می‌تواند حقیقت تلخ کارآفرینی را هم عادی‌سازی کند. ما می‌توانیم شبکه‌ای از منابع، دانش و ارتباطات را جمع‌آوری کنیم که به همه استارت‌آپ‌ها از جمله کسانی که در گذشته نادیده گرفته شده‌اند و دنیای کارآفرینی روی خوش بهشان نشان نداده، سود برساند. برای غلبه بر بی‌عدالتی موجود در قشر نمایندگان کارآفرینان و سرمایه‌گذاری ناعادلانه‌ای که در گذشته این حوزه را مختلا کرده، باید اجازه بدهیم آسیب‌پذیر باشیم و به همان اندازه که داستان موفقیت‌هایمان را به اشتراک می‌گذاریم، از شکست‌هایمان هم بگوییم.

تاثیر در کنار سودآوری

تغییر گفت و گو درباره کارآفرینی می‌تواند کمک‌کننده باشد. همان تغییراتی باشد که ما در اولویت‌های مصرف‌کنندگان مشاهده می‌کنیم. ما به بنیان‌گذارانی نیاز داریم که از جنس بازار هدف خود باشند، مانند بنیان‌گذاران زن در حوزه سلامت زنان و کارآفرینان رنگین‌پوستی که برای جوامع رنگین‌پوست نوآوری کنند. همچنین به شدت به یک تغییر ذهنیت و فرهنگ به ویژه در فضای سرمایه‌گذاری نیاز داریم. فرهنگ استارت‌آپی کنونی معیار اصلی موفقیت را توانایی کسب‌وکار در جذب سرمایه می‌داند و به هیچ‌عنوان تجربیات پیچیده بنیان‌گذاران اقلیت در جذب سرمایه را در نظر نمی‌گیرد. جذب سرمایه مهم است، اما ساختن چیزی که مردم می‌خواهند و نیاز دارند است که به کسب‌وکارها اجازه می‌دهد مستقل و سودآور باشند.

برای دیدن نوآوری واقعی، باید حمایت از اختراع ابزارها و توسعه ایده‌هایی را از رشد نقلی کنیم که به دنبال راه‌حل‌های مثبت و ماندگار و پایداری برای همه هستند. ما به عنوان بنیان‌گذاران، باید از پشت نقاب پول بیرون بیاییم و از این بگوییم که محصولات ما چگونه به بهبود جهان کمک می‌کنند. ما به راه‌حل‌هایی نیاز داریم که مشتری را به عنوان یک انسان کامل ببینند نه لنگنار متحرک. با این کار، فضایی ایجاد می‌کنیم که در آن بتوانیم بنیان‌گذارانی باشیم که تمام قصه‌مان را به اشتراک بگذاریم، نه صرفا نسخه آرمانی و زیبایش را.

مترجم: عنا اختیاری

منبع: Fast Company

عملکرد موفق شهرداری محمدشهر در ایجاد درآمدهای پایدار

پیام آشنا، مرتضی اکبری: در حالی که در شهرداری کرج، «سازمان سرمایه گذاری و مشارکت های مردمی» به عنوان نهادی عریض و طویل طی چند سال اخیر موفق به انعقاد حتی یک قرارداد نشده و به جهت عملکرد ضعیف در آستانه انحلال قرار گرفته، شاهدیم که شهرداری محمدشهر در ایجاد درآمدهای پایدار مسیر تازه ای را آغاز نموده است.

هنگامی که مهرداد حسن زاده شهردار محمدشهر در زمان ارائه برنامه ها به شورای اسلامی شهر جهت دریافت رأی اعتماد نمایندگان مردم به مبحث «درآمدزایی پایدار» اشاره کرد، فرض بر استفاده شعارگونه و تبلیغاتی از این موضوع استوار بود و تصور نمی شد در شرایطی که شهرهای کلان تر استان همچون کرج و فردیس عملا توفیق خاصی در این مقوله نداشتند، مدیریت شهری محمدشهر نیز نتواند نیت خود را به منصه اقدام و عمل نزدیک نماید.

دیر زمانی نگذشت که اخبار کلنگ زنی چندین بازارچه، مجتمع تجاری و اداری و پارکینگ طبقاتی در محلات مختلف محمدشهر به گوش رسید و با تکمیل و بهره برداری از آنها، شهرداری این شهر به چند ده هزار مترمربع فضای تجاری جهت واگذاری به بخش خصوصی و در نتیجه ثروت افزایی و درآمدزایی پایدار دسترسی خواهد داشت و باید آن را اقدامی بی سابقه در تاریخ شهرداری محمدشهر و چه بسا شهرهای اطراف دانست.

شورای شهر و شهرداری محمدشهر با رویکردی آینده نگرانه و کلان نگری، مسیر تازه ای را برای تامین بار مالی اداره شهر در پیش گرفته، ثروت افزایی از گذر جلب مشارکت بخش خصوصی و کاهش وابستگی به تراکم فروشی و درآمدهای حاصل از جرایم تخلفات ساختمانی می تواند نهضت تازه ای قلمداد شود که مدیریت شهری محمدشهر را به الگو و سرآمد سایر شهرهای استان در این خصوص تبدیل نماید؛ گرچه قطعا این راه پُر پیچ و خم خواهد بود

شورای شهر و شهرداری محمدشهر با رویکردی آینده نگرانه و کلان نگری، مسیر تازه ای را برای تامین بار مالی اداره شهر در پیش گرفته، ثروت افزایی از گذر جلب مشارکت بخش خصوصی و کاهش وابستگی به تراکم فروشی و درآمدهای حاصل از جرایم تخلفات ساختمانی می تواند نهضت تازه ای قلمداد شود که مدیریت شهری محمدشهر را به الگو و سرآمد سایر شهرهای استان در این خصوص تبدیل نماید؛ گرچه قطعا این راه پُر پیچ و خم خواهد بود.

پس از پایان مراحل ساخت و شروع بهره برداری از فضاهای تجاری در حال احداث، شهرداری محمدشهر سالانه به چندین میلیارد درآمد تضمین شده که همه ساله متناسب با نرخ تورم افزایش می یابد، جهت تامین هزینه های جاری با تزریق به پروژه های در دست اقدام دسترسی خواهد داشت و باید گفت که حسن زاده با حمایت های شورای شهر به رکوردی تازه دست یافته است.

دوره ششم مدیریت شهری محمدشهر با ارائه عملکردی متفاوت در رشد سرانه های فرهنگی و ورزشی و تقویت زیرساخت ها و اجرای پروژه های متنوع عمرانی و خدماتی، چندین مرتبه به عنوان مدیریت شهری نمونه استانی و شهرستانی معرفی و مورد تجلیل قرار گرفته است؛ قطعاً این دستاورد در شرایطی که برخی از مدیریت شهری ها به دلیل تخلفات و فساد مالی در معرض ورود نهادهای قضایی و نظارتی قرار گرفته اند، بسیار ارزشمند قلمداد می شود.

حسین مهاجری انتقاد کرد؛

وعده ناصادق در راه اندازی و اتصال مترو کرج به تهران

عضو شورای اسلامی شهر کرج بر بیشرد سیلت‌های شورا در پروژه قطار شهری تاکید کرد و گفت: پروژه قطارشهری پروژه‌ایست که نه تنها در اولویت شورای دوره ششم بوده بلکه دغدغه و مطالبه ای برای شهروندان است.

به گزارش پیام آشنا، حسین مهاجری، برازوم شناسایی مشکلات و ارائه راهکار برای تسریع در پروژه‌های قطار شهری اشاره کرد و گفت: چندین بار در جلسات مختلف پیگیر این موضوع بوده ایم که وعده هایی که به مردم داده می‌شود در موعد مقرر به انجام برسد لذا این وعده محقق نشده است.

عضو شورای اسلامی شهر کرج با انتقاد از کند بودن روند اجرای طرح قطار شهری تصریح کرد: طبق بررسی، بعمل آمده عدم وجود حداقل ۴ راه قطار، عدم وجود سیگنالینگ، عدم وجود دپو، عدم تکمیل ایستگاه های میانی جهت عبور قطار از مسیر و عدم تامین نیروی انسانی متخصص از عوامل اصلی تاخیر در افتتاح مترو کرج و اتصال آن به مترو تهران است که باید مواردی که منجر به بروز مشکل در اجرای طرح مترو شده را شناسایی کرده و برای اصلاح آن تلاش کنیم در این راستا از مدیریت شهر درخواست می شود نسبت به رفع این موارد اقدام کند.

وی اذعان کرد: در حال حاضر تکمیل ایستگاه شهید سلطانی و پیشرفت ایستگاه‌های میانی و تامین محل دپو و رام‌های مورد نیاز قطار شهری از جمله اولویت های شورای شهر است.

مهاجری تاکید کرد: طرح‌هایی مانند قطار شهری که خدمتی هستند باید در اسرع وقت به نتیجه برسند.

مدارس؛ پایگاه اصلی فرهنگسازی

دبستان کاشانی‌پور برای دومین بار میزبان پویش نجات قطره‌ها شد

نیلوفر کیوان‌پور- پویش نجات قطره‌ها روز پنجم شهریور ماه ۱۴۰۳، به درخواست اولیا، مربیان و دانش‌آموزان دبستان پسرانه کاشانی‌پور واقع در شهرک ناز فردیس، به همت شرکت رنگ نیبون، پایگاه خیری هزار و یک شهر و شرکت آب منطقه‌ای البرز برگزار شد.

هدف از برگزاری این رویداد در مدرسه کاشانی‌پور برای دومین بار، این هدف را دنبال می‌کند که چگونه یک مدرسه می‌تواند به عنوان کانون اصلی فرهنگسازی، خانواده‌ها را در مسیر حفظ این منبع حیاتی همراه سازد.

خانواده به عنوان اولین و مهم‌ترین محیط تعامل کودک، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری باورها و رفتارهای فردی دارد. کودکان از طریق مشاهده رفتار والدین و اعضای خانواده، الگو می‌گیرند و ارزش‌ها را فرا می‌گیرند. بنابراین، اگر خانواده‌ها به اهمیت صرفه‌جویی در مصرف آب پی ببرند و این باور را در فرزندان خود نهادینه کنند، می‌توان به آینده‌ای امیدوار بود که در آن نسل‌های آینده با کمبود آب مواجه نخواهند شد.

مدارس به عنوان محیط‌های آموزشی، نقش بسیار مهمی در تربیت نسل آینده ایفا می‌کنند.

با برگزاری برنامه‌هایی مانند پویش نجات قطره‌ها، مدارس می‌توانند دانش‌آموزان را به اهمیت آب آگاه کرده و آن‌ها را به مشارکت در حفظ این منبع حیاتی تشویق کنند. همچنین، با همکاری با خانواده‌ها، مدارس می‌توانند تأثیرگذاری خود را دوچندان کرده و به تغییر رفتارهای جامعه کمک کنند.

مشارکت؛ کلید موفقیت

مشارکت فعال اولیا، مربیان و دانش‌آموزان در پویش نجات قطره‌ها در دبستان کاشانی‌پور نشان داد که با همکاری و تعامل می‌توان به نتایج مطلوبی دست یافت. این رویداد، علاوه بر افزایش آگاهی در مورد اهمیت آب، فرصتی برای ایجاد ارتباط نزدیک‌تر بین مدرسه و خانواده‌ها فراهم کرد.

اهمیت کار مشارکتی در فرهنگ‌سازی:

تقویت حس مسئولیت‌پذیری: با مشارکت در فعالیت‌های گروهی، افراد احساس مسئولیت بیشتری نسبت به محیط زیست پیدا می‌کنند.

افزایش آگاهی: برگزاری برنامه‌های مشترک، فرصتی برای تبادل اطلاعات و افزایش آگاهی در مورد مسائل محیط زیستی فراهم می‌کند.

ایجاد انگیزه: مشارکت در فعالیت‌های گروهی، انگیزه افراد را برای ادامه فعالیت‌های محیط زیستی افزایش می‌دهد.

تغییر نگرش: با همکاری هم، می‌توانیم نگرش جامعه را نسبت به مصرف آب تغییر داده و آن را به یک فرهنگ تبدیل کنیم. پویش نجات قطره‌ها درصدد است که نشان دهد که با همدلی و همکاری می‌توان آینده‌ای آب‌تر برای خود و نسل‌های آینده رقم زد. امیدواریم این رویداد الگویی برای سایر مدارس و جوامع باشد تا در راستای حفاظت از منابع آبی کشور تلاش کنند.

عکس ها / مجتبی ایمانی

دیدگاه

می‌توان یک بنا را پسندید یا نپسندید، اما باید نسبت آن را با هدفش و زمینه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی‌اش درک کرد

تام مین

برای من شهر ژرف‌ترین {یا اساسی‌ترین} آفریده بشریت است؛ پیوسته تغییر می‌کند و تکامل می‌یابد؛ لبرازآمیز است و از این رو از جنبه‌هایی مهم غیرقابل شناختن؛ از جنبه عدم ثبات آن؛ از جنبه شمار خارج از تصور تعاملات، مبادلات، برخوردهای تصادفی {در آن}... از جنبه وسعت بسیار زیاد گوناگونی هوشمندی‌ها {در آن}. در اینجا استعداد یک آفرینندگی حقیقی وجود دارد که در آن خوشبختی و اشتغال خونبه‌خودی رخ می‌دهد. به باور من به همین علت است که شهرها سنگر سنت‌های آزادی‌خواهانه این کشور هستند.

شهرهای ما مجال بازسازی مستمر و امکانات نامتناهی است که از ما نگرشی گسترده طلب می‌کند. با این حال ظاهراً در دهه اول قرن بیست و یکم خود را وحشت‌زده می‌یابیم و درجا مانده {و میهوت} از پیچیدگی واقعیت‌هایی که از زندگی در حال... در اکنون... نشئت می‌گیرد؛ به جایش اصرار داریم که جامعه متنوع خود را از طریق عینکی ساده‌انگارانه، مقلوم در برابر واقعیت ببینیم و در مواجهه با تنوع خواستار یکنواختی هستیم. (در سخنرانی دریافت جایزه پریتزکر در سال ۲۰۰۵)

منبع: گفتار

محیط زیست

کدام افراد نگران تاثیر تغییرات آب‌وهوایی هستند؟

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد دخترانِ بیشتر از پسران، نگران تغییرات آب‌وهوایی هستند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ارت، آیا تا به حال در مورد اختلاف روانی بین جنسیت‌ها در مورد رفاه سیاره و تغییرات آب‌وهوایی فکر کرده‌اید و این نگرانی چگونه با سیستم آموزشی ما پیوند می‌خورد؟ نتایج بررسی کنونی، نگرانی نسل آینده ما در مورد تغییرات آب‌وهوایی آشکار کرده است. ارت گزارش کرد که الگوی متمایزی شناسایی شده است که ظاهراً دخترانِ در مقایسه با پسران، نگرانی‌های آب‌وهوایی بیشتری را تحمل می‌کنند و فعالانه بیشتر وقت خود را درگیر آموزش آب‌وهوایی می‌کنند.

جوانان می‌توانند تغییرات آب‌وهوا و آموزش پایداری را در برنامه درسی مدرسه و فراتر از آن درک کنند. حدود ۳۶ درصد از دانش‌آموزان نگرانی قابل‌توجهی در مورد آینده جهان ما گزارش کردند. نیمی از آنان تایید کردند که آب‌وهوا تا حدی آنها را ناراحت می‌کند. دخترانِ به‌طور قابل‌توجهی سطوح بالاتری از نگرانی را ابراز کردند و ۴۴ درصد در مقابل ۲۷ درصد بودند.

فقط حدود یک سوم از دانش‌آموزان احساس می‌کردند که دانش آنان در مورد تغییرات آب‌وهوا و پایداری می‌تواند به فرصت‌های شغلی تبدیل شود. با توجه به تقاضا برای مشاغل سبز در بازار کار به سرعت در حال تحول ما، یک واقعیت تلخ است.

با وجود این آمار نگران‌کننده، اکثر دانش‌آموزان تمایل خود را برای یادگیری بیشتر در مورد آب وهوا و پایداری ابراز کردند.

در حالی که مدارس نقش محوری در آموزش آب‌وهوا دارند، مشارکت والدین و جامعه گسترده‌تر به همان اندازه حیاتی است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که مشارکت والدین می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی علاقه و درک کودک را از مسائل محیطی تقویت کند.

هنگامی که خانواده‌ها در مورد تغییرات آب‌وهوایی در خانه بحث و در طرح‌های اجتماعی متمرکز بر پایداری شرکت می‌کنند، کودکان به احتمال زیاد این درس‌ها را فرا می‌گیرند.

این روزها شاهد تشدید بحران‌های اقلیمی در جهان و تاثیر آن بر گرمایش زمین، محصولات کشاورزی و حتی سبد غذایی انسان‌ها در سراسر دنیا هستیم و یافته‌های دانشمندان نشان می‌دهد که گرمایش زمین، احتمال افزایش شدید دمای هوا را «۳۵ برابر» کرده است و این موج‌های گرمایی در فصل تابستان، هم در حوزه انسانی و هم زیستی بحران‌ساز خواهند بود.

بنابراین برگزاری رویدادهای مشترک، کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی که هم دانش‌آموزان و هم خانواده‌های آن‌ها را شامل می‌شوند، می‌توانند فرهنگ پایداری را تقویت کنند و نسل بعدی را تشویق کنند تا اقدامات معناداری در راستای مبارزه با تغییرات آب‌وهوایی انجام دهند.